سینما! سینما! (درباره فرهنگ سینمای ایران)

گوهرین، کاوه

«جمال امید»نامی آشنا در فرهنگ سینمای ایران است.با حاصل تحقیق سالیان دراز اوست‏ که سینمای ما اکنون دارای تاریخ و فرهنگ مدوّن و مفصّلی است.

«تاریخ سینمای ایران‏1»و«فرهنگ فیلم‏های سینمای ایران‏2»در دو جلد،آثاری هستند که‏ هم‏نسلان مرا با گذشتهء سینمای فارسی و خاطرات خوب تماشای فیلم‏ها در سالن‏های نمور با صندلی‏های ارج قراضه پیوند می‏دهند...

روزهایی را به یاد می‏آورم که کوچک بودیم و دیوار آجری مدرسه بلند می‏نمود.امّا زنگ‏ ورزش را که بر وفق مراد ما،همیشه زنگ آخر بود وقف سینما می‏کردیم و از سر دیوار جست‏ می‏زدیم و مبصر هم که از دوستان بود غیاب ما را حضور تلقی می‏کرد...در سرما و گرما زیر بلندگوی چوبی و مکعب سر در سینما می‏ایستادیم و گوش جان به صدای فیلم می‏سپردیم و صحنه‏ها را در ذهن کوچک و غمگین خود مجسّم می‏کردیم و فردا روز،گویی که آن فیلم را صد باره دیده‏ایم برای دوستان روایت می‏کردیم.این‏گونه است که من هنوز هم در حسرت دیدن یک‏ صحنه از«شیرمرد»یا«جهنم زیر پای من»،«ضربت»و«دلهره»می‏سوزم.

(1)-تاریخ سینمای ایران،جمال امید،روزنه،1374.

(2)-فرهنگ فیلمهای سینمای ایران،جمال امید(2 جلد)نگاه،1372.

سینمای ایران و حتّی فیلمهای ضعیف و پرت و تجارتی آن سالها برای من خاطره شده‏اند. به همین سبب هیچگاه نتوانسته‏ام با دید یک منتقد بی‏رحم در این فیلم‏ها بنگرم.«گنج قارون» «حاتم طایی»،«طوفان در شهر ما»،«سرسام»و«یک قدم تا مرگ»برای من خاطره‏هایی‏ مقدس‏اند.زین‏روست که به«جمال امید»احترام می‏گذارم،چرا که شب‏ها و روزهایش را گذاشته‏ است تا من و دیگر عاشقان فیلم فارسی،خاطره‏هامان را زنده نگهداریم و فراموششان نکنیم و این کم‏خدمتی نیست...

چاپ دوم«فرهنگ سینمای ایران»اکنون مقابل دیدگان من است.تصوّر این بود که جمال در چاپ جدید حتما مبادرت به جبران کاستی‏های کتاب می‏کرد.امّا دریغ که چنین نشده است و «فرهنگ سینمای ایران»بر خلاف دیگر کارهای«امید»همچنان نیازمند ویرایش کامل و افزودن‏ کاستی‏هاست.دلیل این کاستی‏ها هرچه که باشد به یقین بی‏اطلاعی و عدم اشراف مؤلف محترم‏ نیست،چرا که کارهای قبلی فراهم‏آورنده،خمیرمایه اصلی همین فرهنگ بوده است و همچو منی هم که اکنون به زعم خود قصد دارد به نکاتی فروافتاده اشارت داشته باشد به مدد همان‏ منابع حافظهء خستهء خود را یاری می‏دهد....

پس علت چه بوده است که کتاب در عین حالی که نام فرهنگ را بر خود دارد و قرار است، زندگی‏نامهء کارگردان‏ها،بازیگران،فیلمبرداران و دیگر اهالی سینما را در خود داشته باشد بنا را بر اختصار گذاشته و در بعضی موارد از معروف‏ترین چهره‏ها نیز با تسامح گذشته است.

«جمال امید»در مقدمه کوتاه کتاب می‏گوید:«در این فرهنگ فقط اسامی افرادی آمده است‏ که در سینمای حرفه‏ای ایران از آغاز تا سال 1376 در ساختن فیلم‏های بلند سینمایی یا فیلم‏های‏ کوتاه حرفه‏ای فعالیت داشته‏اند.1»امّا در یک نگاه گذرا به متن کتاب و نیافتن انبوه نام‏های از قلم‏ افتاده و فراموش شده می‏توان دریافت که چنین اصلی رعایت نشده است.

باز هم جمال در مقدمه می‏گوید:«با وجود پیگیری‏هایی که برای گردآوری شناسنامه هنری‏ افراد به عمل آمد،معهذا در بعضی موارد موفق به کسب اطلاعات لازم نشدیم.2»نیافتن‏ مشخصات شناسنامه‏ای دلیل موجهی برای حذف نام بعضی نایافته‏ها نیست.مؤلف محترم‏ می‏توانست در بعضی موارد با آوردن نام شخص و مشخّصات فیلم‏ها از نقصان بیشتر فرهنگ‏ اجتناب کند.

نکته دیگر این‏که امید در بعضی موارد اصرار داشته است که نسبت فامیلی بعضی از اهالی‏ سینما با یکدیگر را نیز یادآور شود که در بعضی موارد نسبت ذکر شده خطاست و در جای خود بدان اشاره خواهم کرد.

با تمام اوصاف«فرهنگ سینمای ایران»کار ارزشمندی است و به یقین با عشق و پشتکاری‏ (1)-فرهنگ سینمای ایران،مقدمه صفحه 6.

(2)-همان،صفحه 6.

در اینجا به پاره‏ای کاستی‏ها که در یک تورّق نه‏چندان دقیق یافته‏ام اشاره می‏کنم:

مشخصات این اشخاص در کتاب نیامده است:«پروین غفاری»که چندی پیش خاطرات وی‏ با عنوان«تا سیاهی»در تیراژی وسیع منتشر گردید که بلافاصله هم نایاب شد.همچنین است نام‏ «رضا علامه‏زاده»کارگردان فیلمهایی همچون«قدیر»و«فدایی»که هم‏اکنون در خارج از کشور نیز فیلم می‏سازد.و«هتل آستوریا»یکی از کارهای اوست.

از نام«پرویز صیّاد»،«پرویز کاردان»،«سعید کنگرانی»،«شهره آغداشلو»،«داریوش اقبالی»، «شهرام شب‏پره»،«آیلین ویگن»،«شهره صولتی»،«پروین دولتشاهی»،«محمد دلجو»،«فرزان دلجو»، «امیر مجاهد»هم در کتاب خبری نیست.

از شاعر معاصر«سید علی صالحی»هم که فیلنامه دو فیلم«مرگ پلنگ»و«جنگلبان»از اوست نامی نیامده است.همچنین نام«نصرت پرتوی»با بازی درخشانش در فیلم«گوزنها»هم از قلم افتاده است.

بهتر بود که در ذیل نامهای«مصطفی فرزانه»برای اطلاع بیشتر خواننده نوشته می‏شد که فرزانه‏ دوست نزدیک نویسنده جاودانه«صادق هدایت»بوده و آخرین اثر وی نیز کتاب«آشنایی با صادق هدایت»است.

همچنین از مشخّصات خانم شهرزاد«کبری سعیدی»نیز می‏شد که به کتاب شعر ایشان به نام‏ «با تشنگی پیر می‏شویم»اشارت داشت.

در مشخصات«مازیار پرتو»حتما باید می‏آمد که ایشان فرزند نویسنده معروف«شین پرتو» هستند و«شین پرتو»نیز از دوستان نزدیک صادق هدایت بوده است.برای اطلاع بیشتر بدانید که‏ خانم«ویشکا آسایش»نیز خواهرزادهء مازیار پرتو است.

در ذیل مشخصات«فرّخ ساجدی»و«فروزان»(پروین ساجدی)تنها به دلیل تشابه نام فامیل‏ این دو هنرپیشه،آقای امید نوشته‏اند که این دو زمانی زن و شوهر بوده‏اند که اینگونه نیست و همسر فرخ ساجدی خانم«نیلوفر»(شهین خلیلی)بوده‏اند که در ذیل نام ایشان،بدین نکته اشاره‏ شده است.

یکی دیگر از فراموش‏شدگان نیز«محمد رضا رفیعی»است که در دههء چهل«اکثر نقش‏های‏ کودک را در فیلم‏های بازی می‏کرد.و بازی او در«چرخ‏وفلک»و اگر حافظه یاری کند فیلم«ایمان» از بازیهای خوب بود...